

## روزنه

## سرنوشت نتانیاهو در دستان یک سیاست‌مدار مسلمان

● انتخابات اخیر اسرائیل نتیجه قاطعی به همراه نداشت و حالا بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر این رژیم و مخالفانش مجبور شده‌اند در تحوٰلی نامحتمل بر سر جلب حمایت یکی از احزاب عرب اسرائیل با یکدیگر رقابت کنند؛ چراکه تشکیل کابینه ائتلافی بدون شرکت این حزب به نظر غیرممکن می‌رسد.
به گزارش بی‌بی‌سی، در این انتخابات نه نتانیاهو و متحدانش موفق به کسب اکثریت کرسی‌های مجلس ۱۲۰نفره شدند و نه مخالفان او و هر دو طرف برای جلب حمایت دیگر نمایندگان به تکاپو افتاده‌اند تا بلکه رئیس جمهوری اسرائیل از آنها بخواهد که برای تشکیل کابینه ائتلافی اقدام کنند.
برخی از کرسی‌های کلیدی در اختیار «فهرست متحد عربی» است؛ گروهی از اسلام‌گرایان که رهبرش منصور عباس هیچ تعهدی به دو طرف نداده است و می‌خواهد از اهمری که در دست دارد، برای حل مشکلات اساسی اعراب اسرائیل استفاده کند؛ از جمله خضوندت‌بار و محدودیت در ساخت‌وساز.
چهار کرسی گروه عباس می‌تواند مخالفان نتانیاهو را به اکثریت مجلس تبدیل کند و به نخست‌وزیری او پایان دهد. درعین‌حال می‌تواند کار نتانیاهو را نیز راه‌ بیندازد و اکثریت کرسی‌های مجلس را نصیب او کند. البته نتانیاهو به حمایت حزب راست‌گرای افراطی «پامیانه» نیز احتیاج دارد.
نتقالی بنت، رهبر این حزب نیز تا این لحظه به هیچ طرفی متعهد نشده است؛ اما تحلیلگران رسانه‌ای می‌گویند که احتمال پیوستن او به ائتلاف راست‌گرای نتانیاهو بیشتر است، هرچند مذاکرات با تاکنون نتیجه ملموسی نداشته است.
در روزهای بعد از انتخابات، منصور هم با یائیر لاپید، رهبر مخالفان که دارد برای تشکیل ائتلافی در مخالفت با نتانیاهو تلاش می‌کند، دیدار داشته و هم با نمایندگان حزب لیکود که نتانیاهو رهبرش است. لاپید درعین‌حال با نمایندگان «فهرست مشترک» نیز دیدار کرده است؛ ائتلافی از احزاب عرب که منصور و گروهش قبلا عضوش بودند.
این ائتلاف مخالف سرسخت نتانیاهو است و شش کرسی آن در مجلس برای تشکیل ائتلافی که از حمایت اکثریت مجلس برخوردار باشد، الزامی است. تلاش منصور عباس بر این است که مانند «فهرست مشترک» که مواضع سرخسختانه‌ای در قبال راست‌های ملی‌گرای اسرائیل اتخاذ کرده است و از خواست فلسطینیان برای تشکیل کشور مستقل حمایت می‌کند، دست‌بندی نشود و برای همین تأکید دارد که «نه چپ است و نه راست». بنا بر گزارش رسانه‌های اسرائیلی، عباس در جلسه‌ای که با یائیر لاپید داشت، خواسته‌هایی را مطرح کرد که شامل موارد گوناگونی می‌شود؛ از جمله برنامه‌ریزی برای کاهش جرم در محله‌های عرب‌نشین، ارائه خدمات به اعراب بدم‌نشین جنوب اسرائیل - سیستم آنها را به رسمیت نمی‌شناسد - و تعلیق قانونی که برای ساخت‌وسازهای غیرقانونی در شهرهای عرب‌نشین جرائم سخت‌گیرانه‌ای در نظر گرفته است. درعین‌حال گزارش شده که عباس خواستار تعلیق قانون «دولت ملی مردم یهود» است. اعراب اسرائیلی به طور عمده عقیده دارند این قانون آنها را به شهروند درجه دو تبدیل می‌کند. این قانون که در سال ۲۰۱۸ تصویب شد، حق تعیین سرنوشت را صرفا به یهودیان اسرائیل منحصر کرد و زبان عربی را از زبان‌های رسمی کنار گذاشت.

رئیس جمهوری آمریکا، چین را مهم‌ترین تهدید علیه امنیت ملی ایالات متحده می‌داند و طی حدود سه ماهی که از حضور او در کاخ سفید می‌گذرد، سیاست واشنگتن در قبال پکن تفاوت چندانی با سیاست دونالد ترامپ، رئیس جمهوری سابق آمریکا نداشته است.
بایدن برای افزایش تمرکز بر چین قصد دارد از حضور نظامی واشنگتن در خاورمیانه بکاهد و تعداد بیشتری از تجهیزات نظامی آمریکا را از خاورمیانه به شرق آسیا منتقل کند.

بر همین اساس بایدن شروع به کاهش رد پای ارتش ایالات متحده در خاورمیانه کرده و اخیرا یک ناو هوایمابر، سیستم‌های نظارتی و حداقل سه باتری سیستم ضدموشکی پاتریوت از منطقه خلیج فارس خارج شده است. گفته می‌شود این اقدام به‌عنوان بخشی از یک استراتژی کلی برای انتقال ظرفیت ارتش ایالات متحده به دیگر نقاط جهان و از جمله برای مقابله با چین صورت گرفته است.
مشابه آنچه را بایدن برای مقابله با چین و کاهش حضور در خاورمیانه وعده داده است، پیش از این هم جورج بوش پسر، باراک اوباما و دونالد ترامپ رؤسای جمهوری سابق آمریکا تکرار کرده بودند اما تحولاتی در دوره بوش باعث شد این وعده‌ها نه‌تنها عملی نشود بلکه حضور واشنگتن در خاورمیانه پررنگ‌تر شود. حتی ترامپ که با شعار پایسان‌دادن به جنگ‌های بی‌پایان وارد کاخ سفید شد و برای خروج آمریکا از افغانستان با طالبان مذاکره کرد هم زمانی که از کاخ سفید خارج شد، در مقایسه با آغاز ریاست‌جمهوری‌اش، تعداد بیشتری از نیروهای آمریکایی را در خاورمیانه نگه داشته بود.
برخی از مفسران اقدام اخیر دولت بایدن را به‌عنوان یک رویه عادی تفسیر می‌کنند. «دیو دروش»، دانشیار دانشگاه دفاع ملی و کارشناس امور نظامی خلیج فارس، در توییتی توضیح داد «این حرکت چندان نگران‌کننده نیست و نباید زیاد آن را بزرگ جلوه داد. خروج تعدادی از تجهیزات آمریکا از خلیج فارس در واقع منعکس‌کننده کاهش نیروهای آمریکایی در عربستان است. این تجهیزات را دونالد ترامپ پس از حمله هوایمایی بدون سرنشین به تأسیسات نفتی اَبیق عربستان در سپتامبر ۲۰۱۹ مستقر کرده بود.

ترامپ اولین رئیس‌جمهور آمریکا بود که پس از خروج سربازان آمریکایی از عربستان در پی حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، دوباره نظامیان واشنگتن را در این کشور مستقر کرد. نشانه‌ها حاکی از این است که بایدن ممکن است تصمیم بگیرد که به سیاست قبلی واشنگتن بازگردد و استقرار نیروهای آمریکایی در سرزمینی که دو مکان مقدس مسلمانان در آن قرار گرفته را تحریک‌آمیز تشخیص دهد و دوباره فرمان خروج از سرزمین عربستان را صادر کند. این اقدام همچنین سیاستی را که در ۲۶ ژانویه ۲۰۲۱، پنج روز پس از آغاز ریاست جمهوری جو بایدن اعلام شد، مورد ارزیابی مجدد قرار می‌دهد.
در روزهای ابتدایی ریاست‌جمهوری بایدن، پنتاگون اعلام کرد ممکن است تعداد نیروهای آمریکایی را در عربستان افزایش دهد؛ اقدامی که اکنون به نظر می‌رسد ناشی از ترجیحات دولت ترامپ بود اما با استقرار دولت بایدن این رویکرد در حال کنار گذاشته‌شدن است.

به‌طورکلی رویکرد ترامپ در منطقه ناشی از لزوم تقابل با ایران و همچنین فروش تسلیحات نظامی به شرکای منطقه‌ای بود. در مقابل، به نظر می‌رسد دولت بایدن سرانجام رویکرد دولت ترامپ در قبال ایران را کنار می‌گذارد. تازه‌ترین تحولات

رئیس‌جمهوری آمریکا تمرکز واشنگتن را از خاور میانه به شرق آسیا منتقل می‌کند

# بایدن در اندیشه طلسم‌شکنی



حاکی از این است که ایالات متحده و ایران در کنار همتایان اروپایی، چینی و روسی، قرار است در هفته جاری در وین بحث درباره مراحل احیای توافق هسته‌ای ایران را آغاز کنند. این اخبار و همچنین کاهش ظرفیت نظامی ایالات متحده در عربستان سعودی و به‌طورکلی در منطقه، بدون تردید رهبران کشورهای هم‌پیمان آمریکا در خلیج فارس را که از فروش اسلحه و رویارویی ترامپ با ایران استقبال می‌کردند، نگران خواهد کرد.

روزنامه انگلیسی‌زبان «نشنال» که در امارات متحده عربی منتشر می‌شود، تأکید کرده که این کاهش تجهیزات و تمرکز آمریکا در خاورمیانه در حالی است که عربستان سعودی در روزهای گذشته با افزایش حملات موشکی و هواییمای بدون سرنشین شبه‌نظامیان حوثی یمن روبه‌رو شده است.
بایدن با وجود اعلام توقف فروش تسلیحات نظامی تهاجمی به عربستان، ظاهرا تمایل خود را برای حمایت از تلاش‌های عربستان سعودی برای دفاع از خود در برابر حملات حوثی‌ها ابراز داشته است اما مؤثرترین روش از نظر دولت بایدن برای کاهش تحرکات و حملات حوثی‌ها احتمالا این است که عربستان سعودی به عملیات نظامی خود علیه اهداف حوثی‌ها در یمن پایان دهد.



## کارتی برای مقابله با پیونگ یانگ نداریم

اندازه اشتباه می‌کند؛ چراکه جمهوری دموکراتیک کره با کمک‌های بی‌شمار چینی‌ها، راهکارهایی برای کم‌انزکردن تحریم‌های دردناک در دستور کار دارد.
این در حالی است که کووید-۱۹ و واکنش این رژیم به آن، موضوع دیگری است. پیونگ‌یانگ تجارت بین‌المللی‌اش را تعطیل کرده است و هزینه‌های اجرایی برنامه اقتصادی‌اش مانند چین و دوباره کنترل می‌کند. ممکن است این اقدامات واکنشی، همان تأثیری را داشته باشد که سال‌ها تحریم سازمان ملل و ایالات متحده نتوانسته آن را انجام دهد؛ بنابراین به‌عنوان موضوع عملی، امروزه هرگونه بحث درباره تحریم‌های بی‌اهمیت، دیگر موضوعیتی ندارد.
در واقع کره‌شمالی برنامه خودتحریمی‌اش را بسیار شدیدتر از تحریم‌های ما به کار بسته است، همان‌طورکه ریور می‌گوید، در پیونگ‌یانگ هیچ تجارت بین‌المللی وجود ندارد، پس هیچ تحریمی نمی‌تواند شرایط را برای مقامات کره‌شمالی دشوارتر از آنی بکند که اکنون با آن مواجه هستند. تحریم‌های شدیدی که ریور پیشنهاد می‌دهد، پس از عبور از ایپدمی، قادر به حفظ فشارها بر مقامات کره‌شمالی نیستند.

پیشنهاد ریور زمانی شایان تأمل بود که ما در فضای دیپلماتیک ۲۰۱۷ و ۲۰۱۶ بودیم. با آغاز مارس ۲۰۱۶، ایالات متحده به موفقیت‌درخور توجهی در اعمال تحریم‌های دردناک علیه کره‌شمالی از طریق قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد دست یافت. دولت‌های باراک اوباما و دونالد ترامپ نیز توانستند با جلب رضایت‌های بین‌المللی کشورهایمانند کره‌جنوبی و ژاپن، تحریم‌های بیشتری علیه کره‌شمالی اعمال کنند. البته عامل اصلی این‌س موفقیت‌ها، ناامیدی چین از توقف آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی تحریک‌آمیز کره‌شمالی و از آن مهم‌تر، ترس از واکنش نظامی از سوی دولت ترامپ بود. هرچند آن روزها گذشته است، این در حالی است که برای هرگونه تشدید تحریم‌های پیونگ‌یانگ، تنها پشتیبانی بین‌المللی کافی نیست. تا سال ۲۰۱۹، جمهوری خلق چین آشکارا تحریم‌ها را نقض می‌کرد و به همراه روسیه مانع اعمال هرگونه تحریم معنادار در شورای امنیت و کمیته تحریم‌ها می‌شد. در آن سو، دولت مون جانه این در کره‌جنوبی به‌جای افزایش فشار بر پیونگ‌یانگ، علاقه‌مند به کاهش تحریم‌ها برای تسهیل تعامل با کره‌شمالی بود.
بر این اساس وقتی ریور درباره ایجاد ائتلافی برای تحمیل مجازات‌های شدید علیه پیونگ‌یانگ صحبت می‌کند، تعداد کشورهای موافق به اندازه انگشت‌های یک دست هم نیست؛ به‌ویژه آنکه بازگیران اصلی این منطقه نه‌تنها از تحریم‌های مؤثر حمایت نمی‌کنند، بلکه تمایل به اجرای آن را هم ندارند. البته آمریکا گاهی با استفاده از تحریم‌های

به‌طورکلی و در شرایطی که بایدن تلاش می‌کند تا سرانجام تمرکز ایالات متحده را از خاورمیانه به دیگر نقاط جهان از جمله شرق آسیا منتقل کند، بازیگران و قدرت‌های منطقه‌ای باید تصمیم‌های خود را بر اساس تمایلات خود و برآورد سود و زیان اقدامات نظامی اتخاذ کنند و دیگر نمی‌توانند به واشنگتن برای انجام این کار تکیه کنند.

مسئلا اگر رؤسای جمهوری قبلی ایالات متحده زودتر چنین تصمیمی می‌گرفتند، عربستان سعودی هم از آن سو تصمیم می‌گرفت که کونه‌فکرانه و اگرچه عجولانه خود را علیه یمن آغاز نکند تا از حملات حوثی‌ها در مرزهای جنوبی خود در امان بماند.

**نقل‌وانتقال جنگنده‌های آمریکایی**

در همین حال، هفته گذشته ۳۰ فروند جنگنده بمبافسکن آمریکایی از خاک آمریکا و همچنین بریتانیا، به پایگاه هوایی العدید در قطر منتقل شدند تا جایگزین ۳۶ فروند جنگنده بمبافکنی شوند که از مهرماه سال گذشته به امارات متحده عربی و قطر اعزام شده بودند.

تصمیم دولت جو بایدن برای اعزام این ۳۰ فروند جنگنده، شامل ۱۸ فروند اف-۱۵ثی و ۱۲ فروند اف-۱۶سی به کشورهای حاشیه خلیج فارس، به دلیل ادامه حضور نیروهای آمریکایی در عراق و همچنین آنچه «تداوم خطر احتمالی حملات موشکی و پهپادی به تأسیسات نفتی و گازی کشورهای منطقه» عنوان شده، اتخاذ شده است.

از میان ۷۲ فروند جنگنده نیروی هوایی آمریکا اعزامی به خاورمیانه، ماوریت ۳۶ فروند شامل ۱۸ فروند اف-۱۵ثی از اسکادران ۳۹۱ شکاری اعزامی به پایگاه هوایی موفق‌السلطنی و ۱۸ فروند اف-۱۶اسی جی از اسکادران ۷۷ شکاری اعزامی به پایگاه هوایی شاهزاده سلطان این هفته به پایان خواهد رسید و جنگنده‌های اف-۱۵ثی اسکادران ۴۹۴ شکاری و اف-۱۶اسی‌های گارد ملی هوایی، از ابتدای هفته آینده ماوریت‌های گشت مسلح هوایی عملیات «عزم راسخ» را علیه داعش ادامه خواهند داد. این جنگنده‌ها، همچنین در صورت حمله گسترده شبه‌نظامیان مستقر در عراق و سوریه وظیفه دارند به سریع‌ترین و مؤثرترین شکل ممکن واکنش نشان دهند.

#### ادامه از صفحه ۵

### ملت‌گرایی و جمهوری اسلامی

بنابراین بیشتر، بحث‌های ایدئولوژیک در کانون شعارهای انقلاب بود. قبله و مرجع جریان‌های چپ آشکارا اتحاد جماهیر شوروی بود و طیفی از جریان چپ هم که وابستگی به روسیه را چندان برنمی‌تافتند، باز نگاهی انتروناسیونالیستی داشتند. طبعاً، مسلمان‌هایی که تحت‌تأثیر جریان چپ بودند، تحت‌تأثیر این نگاه انتروناسیونالیستی بودند. به همین دلیل، در خود انقلاب هم بیش از آنکه مفهوم ملت و منافع ملی برجسته شود، مفهوم غرب‌ستیزی و آمریکاستیزی اولویت و برتری پیدا کرد و وقتی منافع ملی در برابر غرب‌ستیزی قرار می‌گرفت، عملاً به غرب‌ستیزی اولویت داده می‌شد؛ اگرچه صراحتاً اعلام نمی‌شد. به همین خاطر هم هرچند در قانون اساسی مبنای مشروعیت قدرت، اراده ملی است ولی در عمل «مسئله ایران» و ملت ایران نه در سطح دانشگاه‌ها و نه در سطح تحولات سیاسی و اجتماعی هنوز آنچنان که باید و شاید در دستور کار قرار نگرفته است. درواقع ریشه پدیده «چند دولتی» یا «بی‌دولتی» در همین غفلت از مفهوم ملت، هویت ملی و به‌رسمیت نشناختن عملی حق حاکمیت اراده ملی است.

اساساً مفهوم ملت در محیط «جامعه ملل» قابل تعریف است. وقتی که جامعه مللی وجود نداشته باشد، ملتی هم وجود نخواهد داشت؛ وقتی ملت‌ها «ملت» سخن می‌گوینم، منظور هویت تثبیت‌شده‌ای است که خود را در کنار بقیه هویت‌ها تعریف می‌کند و باید با بقیه هویت‌ها، تعامل و گفت‌وگو داشته باشد و اگر در جایی دچار تعارض منافع شد، بتواند منافع خود را مدیریت کند یا اگر مورد تجاوز قرار گرفت، وارد جنگ شود. وقتی ملت‌ها کنار هم قرار می‌گیرند، مبنای اولیه‌شان گفت‌وگو است. تعامل است. بنابراین، قطعاً مفهوم منافع ملی با تعامل ارتباط دارد. اساساً اگر من هویتی نداشته و نسبت به آن، حس تعلقی نداشته باشم، امکان گفت‌وگو با دیگران را ندارم و نمی‌توانم تجارت کنم یا مبادلات فرهنگی و روابط سیاسی داشته باشم. تعریف منافع مشترک و کار مشترک بین ملت‌های با هویت مشخص قابل انجام است. ملت بی هویت امکان کار با سایر ملت‌ها را ندارد. بنابراین، وقتی من از «ایدۀ ایران» صحبت می‌کنم، نکته کانونی بحث این است که ما به‌عنوان یک ملت دارای هویت تاریخی و ملی هستیم. درواقع، هویت ملی باید به عرصه خیمه ایران تبدیل شود. وقتی از هویت ملی سخن می‌گوینم، به این معناست که ما ذات متکی به نفس داریم. هویت داریم. این هویت را دوست داریم و با آن، هم‌راه هستیم و خود را جزء آن می‌دانیم و در چارچوب آن نفس می‌کشیم. یک نکته را هم خوب است همین‌جا توضیح دهم که مفهوم هویت ملی فراتر از «هویت قومی» است. هویت قومی جزئی از هویت ملی است. در ایران ۲۳ قوم وجود دارند که با حفظ هویت قومی همه ایرانی هستند؛ بنابراین آنان که در پی مقابل هم قراردارند هویت ایرانی و هویت قومی هستند، یا به‌درستی به موضوع توجه نکرده‌اند تا تحت تأثیر تحریکات دیگران هستند.

گفته می‌شود که در عصر «جهانی‌شدن» دیگر ملت‌ها مفهوم خود را از دست داده‌اند. از قضا بحث من این است که در جریان جهانی‌شدن، مفهوم «جهان‌های محلی» (glocalization) اهمیت زیادتری پیدا می‌کنند؛ چراکه ملت‌ها با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و جریان دانش و آگاهی، از موجودیت و هویت خود آگاهی بیشتری پیدا می‌کنند و در پی بازیابی و بازتعریف خودشان می‌روند. درواقع، جهانی‌شدن به این معناست که شما از یک طرف با مجموعه شبکه‌ها و جریان‌های فراملی مواجه هستید، مانند شبکه‌ها و جریان‌های جهانی‌مالی، بانکی، تجارت، مهاجرت ادما، نمادها، فکر، اندیشه، فیلم، موسیقی، سینما و نمادهای مختلف که در شبکه‌های فراملی جریان می‌یابند و از طرف دیگر، شبکه‌های ملی نیز خود را در درون این شبکه‌های بزرگ‌تر، بازتعریف کرده و نوعی رابطه عمودی با شبکه‌های فراملی برقرار می‌کنند. بنابراین نکته بسیار مهم این است که هنگام جهانی‌شدن فقط شبکه‌های فراملی نیست که شکل می‌گیرند یا اینکه به غلط تصور می‌شود که شبکه‌های ملی حذف می‌شوند بلکه شبکه‌های جهانی، شبکه‌هایی لایه‌لایه از اقوام، ملت‌ها و سایر نهادهای مدنی هستند. اتفاقاً خود فرآیند جهانی‌شدن می‌بیند که حتی شبکه‌های مادون ملی و حتی شبکه‌های قومی، مجدداً فرصت می‌یابند تا خود را بازتعریف کنند و عناصر آن با یکدیگر ارتباط و پیوندهای جدیدی را برقرار می‌سازند. بنابراین در جهانی‌شدن ما با بازتعریف لایه‌های مختلف هویتی قومی، ایده ملی و فراملی مواجه هستیم. از این منظر، «ایدۀ ایران» بازخوایی هویت ملی ملت ایران و دولت ملی ایران در مجموعه شبکه‌های ارتباطی جهانی است که بخشی کاملاً به‌روز و خلاقانه است که می‌تواند پست‌رسان تعامل و سازگاری با جهان و شبکه‌های ارتباطی جهانی باشد.

به هرروی، در «۱۲ فروردین» روز آری به «جمهوری اسلامی»، باید یک بار دیگر به هویت ملی ایرانیان که مبتنی بر آموزه‌های تمدنی، باور اکثریت مطلق این ملت به اسلام و قبول تحول‌های مدرن است، اندیشه کنیم. با این باندیشنی است که مفهوم یک ملت، یک دولت قابل‌تحقق است و ایران در مسیر توسعه قرار می‌گیرد. با آرزوی بالندگی و سرفرازی ملت ایران